

فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۰، شماره ۱، پاییز ۹۴، صفحات ۳۴-۷

بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی (مطالعه موردی: دو جنبش اکنکار و ایلیا رام‌الله)

دکتر جعفر هزارجریبی^۱ و حسن فراهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۵

تاریخ وصول: ۹۴/۳/۲۵

چکیده:

اگر چه دین همیشه در اجتماع نقش انسجام‌بخشی بر عهده داشته و موجب همگرایی گروه‌ها و آحاد جامعه شده است، اما فرقه‌سازی‌های جدید موجب بوجود آمدن شکاف‌های مذهبی در جامعه و نیز تعمیق و تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌شود. هدف از پژوهش حاضر «بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی» است. از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بوده و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه‌ی آماری شامل پیروان و گروه‌ندگان فعال به جنبش‌های نوپدید دینی در سطح شهر تهران، است. گروه هدف پژوهش حاضر از میان طرفداران دو جنبش "اکنکار و ایلیا رام‌الله" انتخاب شد که بعنوان گروه تجربی محسوب می‌شوند که در مجموع این گروه به تعداد ۴۴۲۲۵ نفر است که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه شد. ابزار سنجش و اندازه‌گیری در تحقیق حاضر پرسشنامه بوده که جهت بررسی رابطه‌ها از ضرایب همبستگی پیرسون و جهت تبیین شدت تأثیر متغیرها، از آزمون رگرسیون تک و چند متغیره و نیز تحلیل مسیر استفاده گردید. خلاصه نتایج پژوهش مبین این نکته است که بین تغییر الگوی مرجع، هژمونیک شدن نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه معنادار است.

مفاهیم کلیدی: جنبش‌های نوپدید دینی، اعتماد، مشروعیت نظام سیاسی، هویت مقاومتی، الگوی

مرجع

^۱ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده‌ی مسئول) jafar_hezar@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی h.farahani@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

تحولات ارزشی و تئوریک در دوران گذار، روند بیشتری نسبت به سایر ادوار دارد و جوامع در حال گذار شاهد بروز جنبش‌های متفاوت فرهنگی و ایدئولوژیک گفتمانی و اجتماعی هستند. انواع گوناگون جنبش‌ها در برهه‌های زمانی مختلف در عرصه‌ی تاریخ پدیدار گشته‌اند و چهره‌ی جوامع را دستخوش تغییر و دگرگونی کرده‌اند. بعنوان مثال؛ جنبش‌های لیبرالی و مشروطه‌خواهی در قرن ۱۸ و ۱۹ در برابر محافظه‌کاران و جنبش‌های ضد استعماری و ناسیونالیستی که در کشورهای مرکز با هدف ایجاد دولت ملی و مستقل صورت گرفت (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۳). علاوه بر جنبش‌های اجتماعی، جهان در عصر بی‌معنایی و در جهت معنادار ساختن فلسفه‌ی زندگی و حیات اجتماعی شاهد ظهور جنبش‌های مذهبی نیز بوده است. اوج حضور این جنبش‌ها در عرصه‌ی تاریخ جهان سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بوده است. بسیاری از این جنبش‌ها از جوامع شرقی نشأت گرفته‌اند و سپس وارد جوامع غربی شده‌اند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۵۹). این جنبش‌ها می‌توانند حامل رویکردها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی در عرصه‌های گوناگون باشند که منشأ چالش‌های فرهنگی، گفتمانی و حتی سیاسی هستند. بروز چنین چالش‌هایی نیز، می‌تواند منشأ بروز ابهامات، شبهات و مسائلی باشد که از دیدگاه امنیتی تأملات و بازتاب‌های گوناگون را بسترسازی نماید. بر این اساس، شناخت تعارضات رویکردی، هنجاری، رفتاری و گفتمانی، اولین گام در ترسیم این جنبش‌های محسوب می‌شود.

بدین ترتیب، جوامع در میان خود، شاهد ظهور گروه‌ها و فرقه‌های دینی جدید بوده‌اند. این قبیل فرقه‌های دینی جدید، گاه برآمده و وابسته به ادیان بزرگ و کلاسیک یا سنتی‌اند و یا بطور کلی گاه، مستقل بوده و جدید می‌نمایانند. جنبش‌های نوپدید دینی که عمدتاً در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ ظاهر شدند، با جوامع غربی و با «ضد فرهنگ» دهه‌ی ۱۹۶۰ مرتبط هستند. در جامعه‌شناسی دین، تمایزاتی در کاربرد واژه‌های جنبش نوپدید دینی و *Cult* (کیش) و نیز واژگان *denomination* (انشعاب) و *sect* (فرقه) مشاهده می‌شود.

در واقع جنبش‌ها و فرقه‌های جدید در گونه‌های مختلف ظاهر می‌شوند. آن‌ها دیدگاه اصلی خود را از یکی از ادیان رسمی اختیار کرده، ترکیبی هوشمندانه از دو سنت یا بیشتر خلق می‌کنند و یا به ندرت، اسطوره‌ای دینی و اصیل ارائه می‌کنند. این وجه التقاطی، به شالوده‌شکنی از سنت‌های متصلب و انحصارگرایی رسمی می‌پردازد. ادعای عموم *NRMs*

در مورد انحصار در داشتن حقیقت، ساختارهای اتوریته‌ای که اطاعت بی‌چون و چرا می‌طلبند، تشویق به وابستگی فزاینده به جنبش از نظر مادی، معنوی و منابع اجتماعی، بریدن گروه از جامعه، همه و همه تهدیدی برای جامعه هستند. از آنجا که هویتی که از ادیان جدید برمی‌آید، حول نیل به هدف شکل می‌گیرد، هر گونه عدم موفقیت در نیل سریع و گام به گام به هدف تعیین شده، عاملی برای تهدید در زمینه‌های مختلف به شمار می‌رود. هویت بخشی ادیان جدید، سبب متمایز شدن پیروان از محیط پیرامونی می‌شود. در اینجا دو دسته انسان‌ها پدید می‌آیند: «آن‌ها» و «ما». «ما» یعنی انسان‌های ممتازی که از سوی حقیقت، فراخوانده شده‌ایم تا به سعادت دست یابیم و «آن‌ها»، انسان‌هایی دور از سعادت هستند. اصولاً، یکی از فلسفه‌های وجودی و یا فلسفه‌های گرایش افراد به سمت این جنبش‌های نوپدید دینی هویت‌یابی جدیدی است که در سایه‌ی عضویت در این جنبش‌ها و یا فرقه‌ها عاید فرد می‌شود. به زعم فرد هویت‌یابی جدید به او کمک می‌کند امور و خواسته‌هایی که پیش از این نمی‌توانسته به آن‌ها دست یابد، راحت‌تر و به کمک هویت جدید به دست آورد.

در ایران نیز زمینه‌ها و عوامل گرایش به این جنبش‌ها بسیار متعدد بوده و بطور کلی می‌توان گفت عوامل داخلی و خارجی در این باره نقش ایفا می‌کنند. قدرت‌یابی خرده فرهنگ‌های جدید که می‌کوشد به فرهنگ غالب تبدیل شود و ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ معنوی اسلام اصیل را تحت‌الشعاع خود قرار دهد، با پیشرفت هر چه بیشتر خود، موجبات انشقاق و عدم وفاق در فرهنگ و ارزش‌های رسمی و نهادینه شده را فراهم آورد. ضمن آنکه ویژگی‌های سنی و شخصیتی افراد نیز در جذب آنها در این جنبش‌های نوپدید دینی مؤثر است. جوانان با تحصیلات بالا و ذهن آرمان‌گرا که عمدتاً از طبقه‌های متوسط درآمدی جامعه بوده و نسبت به سئوالات دینی، دغدغه‌های فروانی دارند، از عمده گروه‌هایی هستند که به این جنبش‌ها می‌پیوندند (آرویک^۱، ۲۰۰۲: ۲۷۷). گرویدن افراد متخصص یا دانشجویی جوان با موقعیت اجتماعی و دانشگاهی ممتاز که خود را وقف اهداف و شعائر یک جنبش دینی نوپدید می‌نمایند و از موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی که در بیرون آن جنبش، برای او وجود دارند، صرف‌نظر می‌کند، نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی موضوع و احتیاج آن به بحث و بررسی بیشتر است.

از آنجا که جامعه‌ی ایرانی، یک اجتماعی دینی با رفتارهای متفاوت فردی و جمعی است؛ از این‌رو، در حوزه‌ی باورهای اجتماعی و دینی دارای مشخصه‌های ویژه‌ای می‌باشد.

¹ Arweck

اگر چه دین همیشه در اجتماع نقش انسجام‌بخشی بر عهده داشته و موجب همگرایی گروه‌ها و آحاد جامعه شده است، اما فرقه‌سازی‌های جدید موجب به وجود آمدن شکاف‌های مذهبی در جامعه و نیز تعمیق و تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌شود. از این‌رو، فرقه‌های نوظهور هر چه بیشتر از سازمان‌های اصیل دینی و دین رسمی فاصله گیرند، شکاف دینی نیز در جامعه بیشتر می‌شود. شکاف‌ها عمدتاً موجب دگرگون شدن نظم جوامع و در نتیجه بروز بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی می‌شوند (حاجیان، ۱۳۸۳: ۲۴۳-۲۴۱). بنابراین چنانچه فرقه‌های نوظهور در ایران را در ساحت جنبش‌های نوین اجتماعی بررسی کنیم، به برخی از مؤلفه‌های مشترک این دو برمی‌خوریم که حاکی از وجود شرایط مساعد در جامعه برای رشد چنین پدیده‌هایی است. بر همین اساس، اندیشمندان در بررسی ویژگی‌های جنبش‌های نوین معتقد هستند که این جنبش‌ها ضمن این که غیر ابزاری (بیان‌کننده‌ی علایق اعتراض‌آمیز جامعه نسبت به وضعیت اخلاقی هستند و نه نماینده‌ی مستقیم یک گروه اجتماعی) هستند و هدفشان نیز عمدتاً به سوی جامعه‌ی مدنی جهت‌گیری شده است تا دولت. بنابراین به ساختارهایی مانند فرهنگ شیوه‌ی زندگی و مشارکت در اجتماع اعتراض دارند نه ساختارهای رسمی و سیاسی. فرقه‌ها نیز در وهله‌ی اول با چنین وضعیتی به دنبال تغییر در باورهای بخشی از اجتماع و شیوه‌های زیست فرهنگی - اجتماعی هستند (نش، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۳۱).

جنبش‌های مزبور امروزه به تعداد قابل توجهی رسیده‌اند. بر اساس گفته، رئیس فرق و ادیان وزارت کشور در حال حاضر در ایران در حدود ۱۰۰ فرقه‌ی انحرافی وجود دارد که از این تعداد ۳۰ فرقه در زمره‌ی فرق قدیمی و ۷۰ فرقه در زمره‌ی فرق نوپدید محسوب می‌شوند (خبرگزاری رسا، ۱۳۹۱).

فرق مزبور به دلیل برخورداری از ایدئولوژی‌های جدید، در واقع بعنوان گفتمان مقاومت در برابر گفتمان مسلط دینی و ایدئولوژی ایران قرار می‌گیرند، و هویت تبلیغی از سوی نظام سیاسی و روشنفکران ارگانیک آن را به چالش می‌کشند و هویت دیگری را برای خود تعریف می‌کنند که می‌تواند ارکان همبستگی و انسجام اجتماعی در ایران را مورد تهدید قرار دهد. این گروه از افراد بیش از اینکه متأثر از ابزار و رسانه‌های تبلیغی نظام قرار باشند به دلیل تغییر جهان‌بینی‌شان دچار دگرگونی در سبک زندگی شده و در این راه رسانه‌هایی نظیر ماهواره و اینترنت نقش مهمی ایفا می‌نمایند. در واقع رسانه‌های مسلط جهانی مثل ماهواره، اینترنت و ... به نوعی حامی ایدئولوژی لیبرال دموکراسی غرب هستند و با تسلط رسانه‌ای به گونه‌ای نارضایتی را در جامعه ایجاد می‌کنند و برای این وضعیت به

ناچار مشروعیت نظام سیاسی را تضعیف می‌کنند و برای تضعیف نظام سیاسی موجود، ایدئولوژی آن را به چالش می‌کشند.

با توجه به نکات مذکور، این مقاله درصدد است، ضمن بیان توصیفی و شناختی این جنبش‌ها در محیط کلان شهر تهران، ویژگی‌ها، مختصات و شالوده‌های فکری و رویکردی آنان را در یک نگاه کلی تدوین و تشریح نماید. به عبارتی، سئوالی اصلی و آغازینی که این تحقیق به دنبال آن است، این می‌باشد که جنبش‌های نوپدید دینی در تهران کدامند و این جنبش‌های تحت چه شرایطی به وجود آمده و در ضمن دارای چه نوع تعارضات گفتگامی و ارزشی با نهاد دینی حاکم می‌باشند؟ و عوامل اصلی اجتماعی و سیاسی گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی در شهر تهران کدامند؟ شایان ذکر است که تأکید اصلی مقاله‌ی حاضر مطالعه بر روی پیروان دو فرقه انکار و ایلیا رام‌الله بوده و عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر جذب پیروان این جنبش‌های نوپدید دینی مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

دین و دینداری یکی از قدیمی‌ترین پدیده‌های اجتماعی و از نیرومندترین و پایدارترین نهادهای زندگی اجتماعی انسان در طول تاریخ بوده است. توجه و باور به جهانی فراتر از این جهان مادی و تلاش برای برقراری ارتباط با آن جهان، یکی از ارکان اساسی دین‌داری انسان‌ها به شمار می‌رود. این اعتقاد و روش‌های دستیابی به آن ارتباط در فرهنگ‌های مختلف و در ادیان گوناگونی که در طول تاریخ ظهور کرده‌اند به اشکال بسیار متنوعی بیان و ابراز شده است. هر یک از آن ادیان، اعتقادات خود را برحق شمرده و داعیه‌ی به سعادت رساندن بشر را داشته است و به تبع آن، ادیان دیگر را لاقص ناقص تلقی و در بدترین حالت، انحرافی و الحادی قلمداد کرده و با آن به جنگ و ستیز پرداخته است. اینک در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم میلادی که جهانی‌شدن و جهانی‌سازی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به فرایند و روندی سریع و گسترده بدل شده است؛ اغلب سنت‌های بزرگ دینی (اسلام، مسیحیت و ...) که به تبلیغ خود در سراسر جهان می‌پرداختند، با چالشی بزرگ روبه‌رو شده و به مقابله با آن برخاسته‌اند. این چالش بزرگ اثرگذار و نیرومند، همان «جنبش‌های دینی جدید» هستند که در بازار رقابتی کالاهای دینی در عصر جدید، گوی سبقت را از رقبای قدیمی خود ربوده و بطور روزافزونی پیروان ادیان سنتی را به خود جذب می‌کنند. در این میان، رگه‌های رو به رشد این ادیان جدید در ایران، دارای اهمیتی انکارناپذیر و در خور بررسی می‌باشد.

اهمیت یافتن یافته‌های نوپدید دینی در جامعه‌ی جهانی و کثرت عضویت خصوصاً جوانان در آن‌ها، از اهم مسائلی است که جامعه‌شناسان را متوجه خود ساخته است. هر چند بر اثر پدیده‌ی مزبور، از یک سو، کثرت دینداری، اعتقاد به ماورای طبیعت و گرایش به عرفان یا شبه عرفان را شاهدیم و این خود، موجبات باطل شدن حداکثری نظریات سابق جامعه‌شناسان مبنی بر محو شدن دین با شروع قرن بیست و یکم را فراهم می‌آورد، در عین حال، از سوی دیگر، عدم پذیرش اتوریته‌های خارج از گروه، تبعیت محض از سرکرده، خودمختاری اعتقادی و عملی و از همه مهم‌تر، عنصر پیش‌بینی‌ناپذیری کمابیش مطلق این گروه‌ها که سوء استفاده از شور شبه دینی اعضا، قدرتشان را مضاعف ساخته است؛ توان بالقوه و منبعی برای تهدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و دینی ملل تلقی می‌شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰۹). مهم‌ترین و مستقیم‌ترین تأثیر گسترش گروه‌های نوپدید دینی، متوجه هویت دینی است. ادیان جدید با فروکاستن مفهوم دین، زدودن اتوریته الهی آن، جایگزینی خود محوری به جای خدامحوری و فرعی سازی دین نسبت به غایات اومانستی، بزرگ‌ترین ضربه را بر کیفیت تدین وارد آورند، هر چند کمیت به اصطلاح دینداران را احیاناً بالا می‌برند.

در کلان‌شهرهای ایران، خصوصاً تهران وجود برخی فرقه‌ها که نیمه مخفیانه تحت عناوین آموزش مدیتیشن و یوگا به عضوگیری و فعالیت مشغولند، ظهور افرادی که با تکیه بر فن بیان، چهره‌ی جذاب، نیروهای طبیعی فوق‌العاده همچون اثرژی درمانی و ... به جذب افراد می‌پردازند، گسترش نشر و اقبال به آثار برخی اساتید مشهور فرق جدید همچون سایه بابا، چاپ‌های متوالی و با تیراژ بالای کتب پائولو کوئیلو، اشو، خوزه سیلوا و ...، تشکیل کلاس‌های خصوصی یا نیمه خصوصی آموزش‌های وسیع تحت عنوان موفقیت، مدیریت، آرامش و ... که تلاش دارند، مجموعه کاملی از پاسخ‌های لازم به سؤالات غایی ارائه نمایند و انسان را از رجوع به ادیان آسمانی بی‌نیاز سازند، همه و همه، سیگنال‌های کاملاً معناداری از رشد ادیان جدید در ایران دارند و از این‌رو، ضرورت و اهمیت مطالعه‌ی ماهیت، نحوه‌ی رشد و زمینه‌ی گسترش گروه‌های نوپدید دینی به روشنی نشان داده می‌شود.

حال با توجه به این اوضاع و شرایط، هنوز ادبیات مربوط به این موضوع در ایران، ناچیز مانده است. اطلاعات تئوریک و نظری در این حوزه پراکنده و غیر قابل استناد است و اطلاعات میدانی و پیمایشی نیز دارای آمار قابل اعتماد نیست. لذا باید خاطر نشان ساخت

که عوامل ظریف و مهمی همچون میان رشته‌ای بودن^۱ این پدیده، سازگاری با دیدگاه و مطالبات شهروندان مدرن، مملو بودن آموزه‌های این جنبش‌ها از مباحث مربوط به «خدا» توکل، پناه بردن به او و تکیه کردن بر او، آکنده بودن از عناصری که در بادی امر، عرفانی و وحدت وجودی تلقی می‌شوند، فروتنی ظاهری مؤسسين و پیامبران ادیان جدید و فرار آنان از این دعوی که در حال ارائه‌ی دینی جدید هستند، عدم موضع‌گیری سیاسی این گروه‌ها و کناره‌گیری رسمی و عملی آنها از حوزه‌ی سیاست و ضعف فضای نقد و نقدپذیری در جامعه باعث ضعف و کاستی در اهمیت دادن و جدی گرفتن این پدیده در ایران شده است. بدین ترتیب بررسی علل گرایش به *NRMS* در ایران، جمع‌آوری اطلاعات پیرامون کیفیت و کمیت آن‌ها در کشور و تحلیل آموزه‌ها، جهت دست‌یابی به شاخصه‌های تغییر مطالبات دینی در میان عامه از جمله اقدامات مطالعاتی هستند که می‌تواند در جهت شناخت هر چه بیشتر ماهیت این پدیده و نیز رشد ادبیات موجود در حوزه‌ی جنبش‌های نوپدید دینی در ایران مفید باشد.

مروری بر تحقیقات صورت گرفته در مورد جنبش‌های نوپدید دینی نشان می‌دهد که غالب این تحقیقات اولاً جنبه‌ی توصیفی داشته و به بررسی ماهیت و ارکان و آموزه‌های این جنبش‌ها پرداخته است و ثانیاً این موضوع را در یک بستر سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار نداده است. مقاله‌ی حاضر در صدد است تا از یک منظر جامعه‌شناختی که در عمده تحقیقات صورت گرفته مغفول واقع شده، گرایش به این گونه از جنبش‌های نوپدید دینی را مورد واکاوی نظری قرار دهد و از آن بعنوان یک الگوی راهبردی در تصمیم‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی در این حوزه استفاده نمود.

هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی مقاله بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی (فرقه‌های اکنکار و ایلیا رام‌الله) در شهر تهران می‌باشد.

¹ interdisciplinary

سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی

عوامل اصلی سیاسی و اجتماعی گرایش شهروندان تهرانی به جنبش‌های نوپدید دینی با در نظر گرفتن افراد عضو جنبش‌ها (فرقه‌های اکنکار و ایلیا رام‌الله) کدامند؟

سؤالات فرعی

- ۱- بین هژمونیک شدن نظام سیاسی دینی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین مشروعیت نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا بین اعتماد به نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا بین اعتماد به رسانه‌ی ملی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۵- آیا بین تغییر الگوی مرجع و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۶- آیا بین اعتماد به رسانه‌های خارجی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۷- آیا بین شکل‌گیری هویت مقاومت و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین هژمونیک شدن نظام سیاسی دینی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۲- به نظر می‌رسد بین مشروعیت نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۳- به نظر می‌رسد بین اعتماد به نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۴- به نظر می‌رسد بین اعتماد به رسانه‌ی ملی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟

- ۵- به نظر می‌رسد بین تغییر الگوی مرجع و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۶- به نظر می‌رسد بین اعتماد به رسانه‌های خارجی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟
- ۷- به نظر می‌رسد بین شکل‌گیری هویت مقاومت و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی رابطه وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرا

روش انجام این پژوهش به شیوه‌ی پیمایشی^۱ بوده که یکی از روش‌های بسیار مهم در علوم اجتماعی است؛ با دو ویژگی ۱- شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، ۲- روش تحلیل آنها. در مرحله‌ی اول محقق ویژگی‌های هر مورد را بر حسب متغیرها گردآوری می‌کند تا به یک مجموعه‌ی ساختمان‌ی یا منظمی از داده‌ها برسد. در مرحله‌ی دوم محقق برای تحلیل موارد، به مقایسه‌ی آنها بر حسب بعضی از ویژگی‌ها می‌پردازد تا در بررسی تفاوت موارد به همبستگی دو متغیر و یا علت آنها پی ببرد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

پس از بررسی منابع تئوریک، آمارنامه‌ها و ... پرسش‌نامه‌های این پژوهش در جامعه‌ی آماری تکمیل گردید.

جامعه آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل پیروان و گروندگان فعال به جنبش‌های نوپدید دینی در سطح شهر تهران، است. در این راستا گروه هدف پژوهش حاضر از میان طرفداران دو جنبش "اکنکار و ایلیا رام‌الله" انتخاب شد که بعنوان گروه تجربی محسوب می‌شوند که در مجموع این گروه به تعداد ۴۴۲۲۵ نفر است.

¹ survey

تعیین حجم نمونه

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به فرمول کوکران، حجم نمونه برابر است با ۳۸۱ نفر که در پایان، ۴۰۰ پرسش‌نامه تکمیل گردید.

روش نمونه‌گیری

با توجه به اهداف تحقیق و ویژگی‌های جامعه‌ی آماری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی استفاده می‌شود. بدین ترتیب که ابتدا طرفداران دو جنبش مذکور در جامعه‌ی آماری در سطح شهر تهران (مناطق مختلف) مشخص شدند و سپس حجم نمونه بر اساس اصل نسبت و با توجه به تعداد طرفداران هر جنبش محاسبه گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها وارد رایانه گردید و بعد از استخراج، در راستای بررسی و ارزیابی داده‌ها به طرق زیر اقدام گردید:

تحلیل تک‌متغیره: در این مرحله هر یک از متغیرها بصورت تحلیل یک‌متغیره و بر اساس آمارهای مرکزی و پراکندگی مورد تجزیه و تحلیل و توصیف قرار می‌گیرند.

تحلیل دو متغیره: در این مرحله به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، هر یک از متغیرهای مستقل بصورت دو به دو با متغیر وابسته، بر اساس آزمون‌های آماری آزمون همبستگی پیرسون و ... با توجه به سطوح سنجش‌شان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

تحلیل چند متغیره: در مرحله‌ی بعدی، تحلیل داده‌ها بصورت تحلیل چند متغیره انجام گرفته و از شاخص‌های ذیل استفاده می‌شود:

۱- تحلیل رگرسیون: از تحلیل رگرسیونی به منظور مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها استفاده می‌شود.

۲- تحلیل مسیر: از تحلیل مسیر به منظور مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها استفاده می‌شود، یعنی هر کدام از متغیرهای مستقل تا چه اندازه بصورت مستقیم و تا چه میزان بصورت غیر مستقیم بر متغیر وابسته‌ی تحقیق تأثیر می‌گذارند.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

- محمداسماعیل ریاحی و زین‌العابدین جعفری (۱۳۸۶)، در تحقیقی تحت عنوان "بررسی همبسته‌های اجتماعی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران به جنبش‌های دینی جدید" به دنبال کشف میزان گرایش دانشجویان به جنبش‌های دینی جدید بودند تا از این طریق برخی از همبسته‌های اجتماعی این گرایش را شناسایی و توصیف نمایند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام گردید و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های خود - اجرا استفاده شد. جمعیت آماری تحقیق ۱۴۷۱۸۹ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال ۱۳۸۶ بود که با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه‌ای برابر با ۴۰۰ نفر از آنان بعنوان پاسخگویان تحقیق انتخاب شدند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۹/۴ درصد از دانشجویان گرایش قوی به جنبش‌های دینی جدید داشته‌اند، در حالی که ۴۱/۷ درصد از آن‌ها دارای گرایش ضعیف بوده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میزان گرایش به جنبش‌های دینی جدید در بین دانشجویانی مشاهده شده است که هنوز ازدواج نکرده بودند، بطور نیمه‌وقت شاغل بوده‌اند، در رشته‌های هنر و علوم انسانی تحصیل می‌کرده‌اند، جزو اقوام لر، کرد و ترک بوده‌اند و والدین آن‌ها به طبقات اجتماعی بالاتر متعلق بوده‌اند؛ همچنین تحقیق فوق نشان می‌دهد که گرچه دختران دانشجو در مقایسه با پسران، گرایش بیشتری به جنبش‌های دینی جدید داشته‌اند، این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نبوده است. در نهایت نتایج آزمون‌های همبستگی نشان می‌دهند که میزان گرایش به جنبش‌های دینی جدید رابطه‌ی معکوس و معنادار با میزان دینداری و رابطه‌ی مستقیم و معنادار با میزان گرایش به هویت قومی داشته است.

- زهره محسنی (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مطالعات فرهنگی و رسانه‌ی دانشگاه تهران با عنوان "واکاوی گفتمان‌های دینی در ایران" (به راهنمایی دکتر عباس کاظمی وریج) به طبقه‌بندی گفتمان‌های دینی در وبلاگستان فارسی می‌پردازد و نکات زیر را مطرح می‌کند. پیدایش اینترنت و در پی آن اتصال به شاهراه‌های ارتباطی جهان، فرصت‌ها و نیز چالش‌های جدیدی را برای فرهنگ بشر بوجود آورد. دین نیز بعنوان یکی از ریشه‌دارترین عناصر فرهنگی جوامع انسانی از تأثیرات این رسانه بی‌بهره نماند. البته نباید درباره‌ی میزان و شدت تأثیر فضای سایبر در حوزه‌های معنوی و متافیزیکی اغراق کرد و باید قدرت و شیوه‌های نفوذ هر دو طرف را در نظر گرفت چرا که از سویی اینترنت بعنوان ابزاری تبلیغی فرامگانی و فرازمانی قادر

است بافت دینی جامعه را متحول سازد و از سوی دیگر گفتمان‌های دینی متعدد می‌توانند با حضور بر پهنه‌ی این رسانه، قوام و دوام خود را استمرار بخشند. از این‌روست که بسیاری از دینداران و هواخواهان معنویت به این رسانه‌ی نوین اقبالی تام و تمام نشان می‌دهند. وبلاگ‌ها گونه‌ای از ارتباطات اینترنتی هستند که به سهولت و با حداقل امکانات قابل راه‌اندازی می‌باشند. این مسئله و نیز برخورداری از ویژگی‌هایی منحصر به فرد، رشد روزافزون وبلاگ‌ها را در سال‌های اخیر موجب شده است. امروزه وبلاگ‌ها به محلی برای بروز و ظهور گفتمان‌های گوناگون از جمله گفتمان‌های دینی تبدیل شده‌اند. هدف اصلی این پژوهش طبقه‌بندی گفتمان‌های دینی در وبلاگستان زبان فارسی است. شناسایی عناصر و دقایق هر گفتمان دینی، تشخیص دال مرکزی هر گفتمان دینی و نیز تعیین غیر یا دیگری هر گفتمان نیز از جمله دیگر اهداف پژوهش است. بر اساس این تحقیق، در وبلاگستان زبان فارسی شش گفتمان دین سنتی، دین رسمی (ایدئولوژیک)، دین عرفانی - اخلاقی، نواندیشی دینی (دین مدرن)، دین شخصی و جنبش‌های نوپدید دینی وجود دارد، که نوع آخر در سال‌های اخیر در مقایسه با سایرین از رشد و نمو قابل توجهی برخوردار بوده و رسانه‌های ارتباطی در گسترش آن‌ها نیز سهم قابل توجهی داشته‌اند.

- تحقیق انجام شده توسط کرمانی (۱۳۸۳)، در زمینه‌ی گرایش انسان معاصر به عرفان، پس از بررسی دین داری انسان عصر جدید با انسان دوران گذشته، به این نتیجه می‌رسد که دینداری و معنویت‌گرایی انسان امروز با آنچه در گذشته بوده، تفاوت‌ها و تمایزاتی به شرح زیر دارد: ۱- انسان امروز به جای آنکه بخواهد خود را به سنت دینی خاصی پایبند کند و از دین رسمی و ایدئولوژیک بهره‌برد، به سمت تجربه کردن دین و شخصی کردن آن روی آورده است؛ ۲- انسان امروز نمی‌تواند قائل به این باشد که تنها یک دین، بر حق بوده و راه صحیح را نشان می‌دهد و دیگر ادیان باطل هستند؛ در عوض به معنویتی جامع و کلی که جاری در تمام ادیان حتی در نفس آدمی و در طبیعت است، معتقد شده است؛ ۳- توجه به صورت ظاهری دین، آداب و مناسک، غالب‌های فکری - ایدئولوژیک، محافل دینی و اماکن مقدس، تبعیت و تقلید از رهبران دینی و گذشتگان، همه و همه کم‌رنگ‌تر شده و جای خود را به تجربه‌ای درونی و برداشتی فردی داده است (کرمانی، ۱۳۸۳: ۵۹-۳۹).

- فالون دافا: جنبش نوپدید دینی؛ عنوان تحقیقی است که توسط محمدرضا تاجیک، سعیده امینی و عاطفه امینی به انجام رسیده است. این تحقیق به فالون دافا بعنوان یک جنبش نوپدید دینی می‌پردازد که طرفداران زیادی را در سطح جهان به خود جلب کرده است. بر پایه‌ی این تحقیق، شعار اصلی این جنبش جن، شن، رن یعنی حقیقت،

نیک‌خواهی و بردباری است و در بودیسم و تائوئیسم ریشه دارد اما در عین حال خود را کامل‌تر از آنها می‌داند. به عقیده‌ی لی هنگ‌چی؛ رهبر این جنبش؛ تائوئیسم به دنبال تزکیه بدن و بودیسم به دنبال تزکیه‌ی ذهن است. اما فالون دافا بر هر دو نوع تزکیه تأکید دارد که برای انجام آنها ۵ تمرین را ارائه می‌دهد که ۴ مورد آن به صورت حرکتی و یک مورد آن به صورت مدیتیشن است. بطور کلی در این تحقیق نخست تعریفی از جنبش ارائه شده، سپس علل وقوع جنبش‌های دینی از منظر جامعه‌شناختی مطرح و اصول عقیدتی و بنیان‌های آن مدنظر قرار گرفته و نهایتاً در بخش پایانی این جنبش به گونه‌ای نشانه‌ی شناسانه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (تاجیک و همکاران، ۱۳۸۹).

ب) تحقیقات خارجی

- پیتر تورک^۱ (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه جنبش‌های نوین دینی درباره‌ی جامعه‌ی مجارستان» که در کنفرانس CESNUR ارائه داده، موارد زیر را مطرح نمود: بر طبق یک بسته سیاست فرهنگی در مجارستان میزان پذیرش جنبش‌های نوین دینی در جوامع مختلف مورد مطالعه قرار گرفت، دپارتمان مطالعات مذهبی دانشگاه Szeged در مجارستان این فرصت را داشت که یک پژوهش سیستماتیک (نظام‌مند) سه مرحله‌ای را درباره‌ی چگونگی ارزیابی جنبش‌های نوین دینی از روابط خودشان در یک جامعه‌ی خاص را انجام دهد. مرحله‌ی اول شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته با رهبران جنبش‌های نوین دینی و مرحله‌ی دوم یک پیمایش پرسشنامه‌ای بین اعضای جنبش‌های مختلف بود و در فاز سوم تحقیق با یک به اصطلاح تحلیل مرام یا عقیده^۲ به پایان رسید و نتایج زیر حاصل شد:

پس از دوره‌ی کمونیسم، کلیساها و سازمان‌های مذهبی مختلفی در کشور تأسیس شدند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند، که برای مجارها جدید و نو بودند. جنبش‌های جدید گرایش جامعه‌ی مجارها را نسبت به خود دوستانه تلقی می‌کنند و رسانه‌ها را نیز متوسط یا خنثی ارزیابی می‌کنند. علیرغم رضایت عمومی در خصوص آموزش عمومی، یک سوم آن‌ها خواستار برخورداری از مدارس خاص خود در آینده هستند. با توجه به سیاست‌های کلیسای دولت‌های مابعد کمونیست، جنبش‌های نوین دینی اتحاد لیبرال - سوسیالیست‌ها را بهترین گزینه می‌دانند. این موقعیت خاص به هر حال نتیجه‌ی سیاست تبعیض‌آمیز علیه کلیساهای به

^۱ Peter Torok

^۲ creed-analysis

اصطلاح تاریخی است. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲، کشور به شدت بین لیبرال - سوسیالیست‌ها و احزاب مسیحی - ملی تقسیم شده بود. تقسیم مشابهی نیز بین کلیساهای کوچکتر، در جایی که خط جدایی بین جنبش‌های نوین دینی جدید و قدیمی‌تر است، یافت می‌شود. جنبش‌های نوین دینی قدیمی‌تر فقط احزاب مسیحی ملی را بر نیروهای لیبرال - سوسیالیست‌ها ترجیح می‌دهند، آن‌ها نیز در آینده وضع قوانین محدودکننده‌تری را در خصوص ثبت و تأسیس سازمان‌های کلیسایی جدید خواهند دید. همان‌طور که مشخص است، این تحقیق بیشتر جنبه‌ی توصیفی دارد و عوامل سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار در رشد و گسترش جنبش‌های جدید بصورت جامع مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

- کتابی پژوهشی تحت عنوان جنبش‌های دینی جدید نوشته‌ی الیزابت آروک (انتشارات راتلج، ۲۰۰۵)، تحلیلی جامع درباره‌ی ادیان جدید در آمریکا و اروپا فراهم کرده و به بررسی نبرد میان این فرقه‌ها و نحله‌های مختلف و جنبش‌های ضد این فرقه‌ها و جوامع کلیسایی پرداخته است. این اثر به چگونگی توصیف این جنبش‌ها از سوی رسانه‌ها و دانشگاهیان پرداخته و بر مشکلات عینیت ذاتی در زبان این فرقه‌ها، تلقین عقاید مذهبی و قیاس آنها تمرکز کرده است. نقاط عطف پژوهش درباره‌ی جنبش‌های دینی؛ مؤسسات و حکمت نهادی؛ نمای کلی فرهنگ‌های دینی و آکادمیک، پاسخ جنبش‌های ضد فرقه‌های جدید دینی؛ پاسخ کلیسای کاتولیک روم و پروتستان به این جنبش‌های جدید، برخی از عناوین و فصول این کتاب به شمار می‌روند.

- ماریو مارنیف^۱ (۲۰۰۸)، مقاله‌ای با عنوان «هجده سال در میدان: انواع جنبش‌های نوین دینی در بلغارستان را در طول سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸» در کنفرانس بین‌المللی لندن ارائه نموده است. او در این مقاله با استفاده از روش اسنادی انواع جنبش‌های نوین دینی را که بعد از سال ۱۹۹۰ در بلغارستان بوجود آمده‌اند، را شرح می‌دهد، تنوع دامنه شامل جنبش‌های یگانگی^۲ و جامعه‌ی بین‌المللی برای شعور کریشنا^۳ "و گروه‌های‌های شبه - مذهبی (مثل *Aqua Source*) است. تنوع بین جنبش‌ها بر اساس شاخص‌های مختلف مانند وابستگی مذهبی پیشین، دانش در مورد مذهب، جنس، سن، طبقه‌ی اجتماعی، گروه قومی، میزان رشد تشریح شده است: در این مقاله سه مرحله‌ی مختلف گذار از کمونیسیم از لحاظ ظهور انواع مختلف جنبش‌های نوین قومی چنین مشخص می‌شوند:

¹ Mario Mrinof

² unification movement

³ ISKCON, word rejecting

۱- شروع از دهه‌ی ۱۹۹۰: دوره‌ی رد کردن گذشته کمونیسم - بوسیله‌ی پیدایش جنبش‌های نوین دینی که با "نفی دنیا"^۱ مشخص می‌شوند و در طول سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۰ به زوال گراییدند.

۲- در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰: سخت‌ترین سال‌های گذار در دوره‌ی اقتصادی - رشد فزاینده‌ی در گروه‌های با نام "انطباق با دنیا"^۲ مثل *neo-pentecostal* ها وجود داشت.

۳- نوع دیگر با نام "تأیید دنیا"^۳ که هنوز خیلی مشهور نیست، اما پس از پیوستن بلغارستان به اتحادیه‌ی اروپا به سمت فعالیت عمومی حضور پیدا کرده‌اند. در بلغارستان واکنش‌های اجتماعی نسبت جنبش‌های نوین دینی شامل ساخت واقعیتی است که از سوی والدین و خویشاوندان اعضاء جنبش‌های نوین دینی، مذاهب سنتی، ضد مذهبیبون، ملی‌گراها، مراجع حکومتی، فعالان حقوق بشر، خود جنبش‌های نوین دینی، وکلا، پزشکان و جامعه‌شناسان مطرح می‌شود.^۴

تحلیل فوق در بردارنده‌ی نوعی تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی است و در بین آثار مرور شده، شاید در زمره‌ی جامعه‌ترین آنها باشد. از این تحلیل بعنوان یک الگو می‌توان در تحقیقات جامعه‌شناسانه‌ای که در درون یک بستر تاریخی ظهور و گسترش جنبش‌های نوپدید دنی را مورد بررسی قرار می‌دهد، استفاده نمود.

- الیزابت پاتیک (۲۰۰۳)، در تحقیق خود با عنوان زنان و جنبش‌های دینی جدید، به بررسی نقش زنان جوامع غربی در جنبش‌های دینی جدید پرداخته و نشان می‌دهد که زنان، بدلیل آنکه جنبش‌های دینی جدید نسبت به سایر مذاهب کلاسیک، ارزش بیشتری برای زنان قائل هستند و در سیر و سلوک معنوی، آزادی‌های بیشتری به آنها می‌دهند، گرایش بیشتری به این‌گونه ادیان از خود نشان می‌دهند. وی با بررسی نقش زنان در مهم‌ترین جنبش‌های دینی جدید نظیر جنبش اوشو، جنبش آگاهی کریشنا و جنبش براهما کوماریس، زنان را افرادی تأثیرگذار در این جنبش‌ها معرفی کرده است.

تحلیل الیزابت پاتیک و کریس سایدز جنبش‌های نوپدید دینی را به ترتیب در ارتباط با عواملی نظیر اینترنت و زنان مورد بررسی قرار می‌دهند و تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی در رشد فرق جنبش‌های نوپدید دینی توأمان در آنها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

¹ world rejecting

² world-accommodating

³ world affirming

⁴ http://www.cesnur.org/2008/london_marinov.htm

چارچوب نظری پژوهش

پدیده‌های اجتماعی و انسانی، خصلتی چندبعدی دارند. به همین خاطر، انتخاب یک رویکرد نظری خاص جهت بررسی این پدیده‌ها امری دشوار و گاه غیرممکن می‌نماید. در واقع نظریات جامعه‌شناسی به مثابه عینکی می‌باشند که تنها یک بخش از واقعیت را برجسته می‌سازند و از سایر ابعاد غفلت می‌مانند. از طرفی، به تعبیر گیدنز، هیچ‌یک از نظریه‌ها تبیین جامعی از آن ارائه نمی‌دهند. این نظریه‌ها از برخی جهات با یکدیگر تداخل دارند و از پاره‌ای جهات دیگر می‌توانند با هم ترکیب شوند تا درک معقولی از جوانب عمده رفتار انحراف‌آمیز فراهم سازند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۳۶). از این‌رو، سعی این مطالعه بر این است که از طریق گزینش تلفیقی بهینه از نظریه‌های مرتبط و مقتضی و ادبیات تجربی موضوعی مرتبط (که شرح آن‌ها در بالا گذشت)، به شناخت و تبیین بهتری از وقوع آسیب‌های اجتماعی در جامعه و عوامل مؤثر بر آن دست یازد. در این مقاله به تناسب موضوع و عنوان تحقیق، از نظریه‌ی گرامشی بعنوان نظریه‌ی مبنایی و از نظریه‌ی کاستلز بعنوان نظریه‌ی تکمیلی استفاده خواهد شد.

بر پایه نظریه‌ی گرامشی یک نظام سیاسی و اجتماعی برای تداوم بقای خود نیازمند عملکرد روشنفکران ارگانیک در حوزه‌ی جامعه‌ی مدنی و به وقوع پیوستن فرایند ادغام می‌باشد. در واقع کارگران بعنوان سوژه‌های هژمونیک در نظام سیاسی در صورتی به دنبال تغییر نظام سیاسی و اجتماعی نخواهند بود و امیدوار به پیگیری منافع خود در چهارچوب نظام سیاسی اجتماعی مستقر خواهند بود که فرایند ادغام^۱ طبقه‌ی کارگر در ارزش‌ها و هنجارهای طبقه‌ی مسلط در نظام سرمایه‌داری صورت پذیرد. به وقوع پیوستن فرایند ادغام مرهون عملکرد نهادهایی نظیر رسانه‌ها، احزاب، مدارس، اتحادیه‌های تجاری و ... خواهد بود. به عبارتی عملکرد این نهادها و روشنفکران ارگانیک باعث هژمونیک شدن نظام سیاسی می‌گردد. گرامشی از مفهوم هژمونی به منظور توصیف حالات و شیوه‌های گوناگون کنترل در دسترس گروه اجتماعی مسلط نیز استفاده می‌نماید. وی بین کنترل اجباری که در واقع کنترل از طریق اعمال اجبار مستقیم یا تهدید به استفاده از زور می‌باشد و کنترل اجتماعی که در طی آن افراد از روی میل و رغبت خودشان را با جهان‌بینی و هژمونی گروه مسلط همسان می‌سازند، تمایز قائل می‌شود. وی علاوه بر این به بحث درباره‌ی نهادها و فعالیت‌هایی می‌پردازد که از طریق آنها این دو شکل اساسی از کنترل (کنترل اجباری و کنترل اجتماعی) اعمال می‌شود. اجبار در بهترین شکلش از طریق نهادهای سرکوبگری

¹ Articulation

نظیر دولت، خصوصاً ارتش، پلیس و سیستم جزایی اعمال می‌شود، در حالی که رضایت به شیوهی ذهنی و از طریق نهادهای جامعه‌ی مدنی نظیر کلیسا، نظام آموزشی و خانواده اعمال می‌گردد. با این همه گرامشی معتقد است که همه‌ی نهادها هم دارای تأثیر مادی و هم دارای تأثیر ذهنی بر افراد می‌باشند، و بر این اساس در عالم واقع اجبار و رضایت با یکدیگر به احتمال زیاد ترکیب می‌شوند. به عبارتی مرتبط دانستن اجبار با نهاد دولت و رضایت با جامعه‌ی مدنی بیش از اینکه امری مطلق باشد، امری آرمانی محسوب می‌شود.

بر پایه‌ی دیدگاه‌های گرامشی، بورژوازی در جوامع دموکراتیک غربی قدرتش را از طریق کنترل هژمونیک و مبتنی بر اجماع اعمال می‌کند و بر این اساس بزرگ‌ترین چالش برای قدرت بورژوازی می‌بایست که در قلمرو فکری و سیاسی مربوط به روساختارها و ساختارها رخ دهد؛ لذا وی پیشنهاد می‌کند که گروه مسلط نوظهور می‌بایست که جنگ مواضع را با هدف آزادسازی ذهنیت افراد از تحریفات ایدئولوژی بورژوازی و از طریق فرآیند نقد هژمونیک به راه اندازد و به منظور آزادسازی تن‌هایشان از فعالیت‌های متناقض جامعه‌ی بورژوازی اقدام به سرنگونی تدریجی این فعالیت‌ها نماید. بعد از فتح این مواضع و با تثبیت ایدئولوژی جدید، از تاکتیک حمله‌ی مستقیم به منظور براندازی نهایی استحکامات دفاعی و نظامی بورژوازی استفاده می‌شود. ادامه‌ی منطقی بحث مذکور ما را به نقش روشنفکران در اندیشه‌ی گرامشی می‌رساند. در واقع گرامشی علاوه بر بحث پیرامون هژمونی به بررسی مکانیسم‌های ایجاد آن در جامعه نیز می‌پردازد. این امر ما را به دیدگاه نظری گرامشی درباره‌ی روشنفکران رهنمون می‌سازد. از نظر وی روشنفکران گروهی‌اند که مسئول پایداری یا تغییر اجتماعی‌اند. به عبارت دیگر، روشنفکران نقشی اساسی در شکل‌گیری آگاهی و جهان‌نگری مردم در جامعه دارند (فمیا، ۱۹۷۸: ۱۳۰). گرامشی برداشتی گسترده از مفهوم روشنفکران داد. در واقع این مفهوم به همه‌ی کسانی اطلاق می‌شود که دارای سطح بالایی از ظرفیت‌های فنی‌اند و در حوزه‌های تولید، فرهنگ و حوزه‌های اجرایی و سیاسی رهنمودها و دستورالعمل‌های خود را اعمال می‌کنند. از بین خیل عظیم روشنفکران، تنها روشنفکران ارگانیک‌اند که به پایداری نظام سیاسی و اجتماعی یاری می‌رسانند. باید توجه داشت که روشنفکران ارگانیک ماهیتی جامعه‌شناختی دارد. این قشر خودآگاهی جمعی طبقه‌ای را که به آن وابسته‌اند، در سطوح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل داده و آن را تدوین می‌کنند، در عین اینکه تا حدی از آن طبقه استقلال دارند. هر طبقه‌ی اجتماعی، قشر روشنفکر ارگانیک خود را تولید می‌کند؛ بنابراین طبقه‌ی سرمایه‌دار یک قشر روشنفکر ارگانیک دارد که نقش اصلی آن تولید و بازتولید هژمونی فرهنگی، ارزشی و اخلاقی طبقه‌ی سرمایه‌دار از طریق نهادهای فرهنگی جامعه است

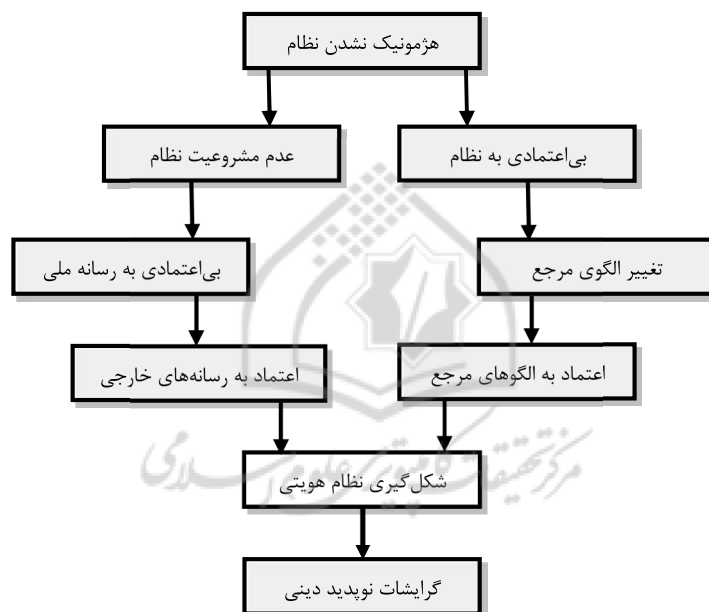
(پناهی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). از نظر ایگلتون این گروه فقط ایدئولوگ‌ها و فیلسوفان را شامل نمی‌شود، بلکه طیفی از فعالان سیاسی، تکنسین‌های صنعتی، اقتصاددانان، معلمان را در بر می‌گیرد؛ برخلاف روشنفکران سنتی که با عامه‌ی مردم فاصله دارند، روشنفکران ارگانیک فعالانه در زندگی اجتماعی شرکت دارند؛ سازمان‌دهنده‌اند تا اندیشه‌ورز صرف و حلقه‌ی ارتباط میان فلسفه و مردم‌اند (ایگلتون، ۱۳۸۱: ۱۸۹). گرامشی اعتقاد داشت که فعالیت روشنفکران ارگانیک برای تدارک عقاید هژمونیک اساسی است. این روشنفکران که در صدد تحکیم ایدئولوژی مسلط هستند از طریق نهادهایی عمل می‌کنند که جایگاه آنها در جامعه‌ی مدنی است. مطبوعات و اساساً، کل صنعت نشر، کتابخانه‌ها، مدارس، انجمن‌ها و کلوپ‌ها را می‌توان در ذیل این‌گونه نهادها قرار داد. به نظر گرامشی همه‌ی این نهادها ساختار مادی ایدئولوژی‌اند و در نهایت در خدمت نشر و گسترش ایدئولوژی طبقه یا طبقات هژمونیک قرار می‌گیرند.

بر پایه‌ی نظریه‌ی گرامشی و در نظر داشتن موضوع مقاله‌ی حاضر، نظام سیاسی دینی در جامعه‌ی ایران اگر نتواند که الگوی دینی خود را هژمونیک سازد موجبات عدم مشروعیت و عدم اعتماد به نهادهای سیاسی را فراهم می‌سازد.

در واقع عدم اعتماد به نظام سیاسی با تمامی متعلقات آن در حوزه‌ی جامعه‌ی مدنی اعم از روشنفکران ارگانیک یعنی روحانیون بعنوان مبلغان دینی این نظام سیاسی و نیز رسانه‌های ارتباط جمعی بعنوان ابزار رسانه‌ای آن از یک‌سو سبب بی‌اعتمادی به این دو نهاد و از سوی دیگر موجب اعتماد به الگوهای مرجع دیگر و اعتماد به رسانه‌های دیگر و نهایتاً شکل‌گیری یک نظام هویتی جدید (هویت مقاومت) می‌شود که خود را در غالب گرایش‌های نوپدید دینی نشان می‌دهد. در واقع شکل‌گیری نظام هویتی جدید بعنوان هویت مقاومت که خود را در قالب گروه‌های نوپدید دینی نشان می‌دهد امری است که در نتیجه‌ی عدم شکل‌گیری هویت مشروعیت‌بخش از سوی نظام سیاسی بر پایه‌ی نظریه کاستلز ایجاد خواهد شد. در واقع بر پایه‌ی نظریه‌ی گرامشی و کاستلز در صورتی که نظام سیاسی در یک جامعه بتواند خود را هژمونیک سازد نوع هویتی را باعث تداوم آن نظام می‌گردد، تحت عنوان هویت مشروعیت‌بخش ایجاد می‌نماید. عدم کارایی نظام سیاسی در ایجاد هویت مطلوب اجتماعی باعث ایجاد هویت‌هایی دیگر در درون جامعه‌ی مدنی و از سوی نهادهای دیگر تحت عنوان هویت مقاومت می‌گردد.

طبیعتاً در درون جامعه‌ای نظیر جامعه‌ی ما، هویتی تحت عنوان هویت مقاومت مطرح می‌شود که رکن اساسی هویت مشروعیت‌بخش را که رکنی مذهبی می‌باشد، به چالش بکشد. گروه‌های نوپدید دینی نظیر ایلیا رام‌الله، فالون دافا، شعور کیهانی و اکنکار همگی در

عدم پذیرش نظام هویتی دینی و سیاسی که از سوی نظام حاکم در ایران و توسط روشنفکران ارگانیک نظام در رسانه‌های مختلف تبلیغ می‌گردد، دارای اشتراک هستند. در واقع در قالب یک گزاره‌ی نظری که محصول ترکیب دیدگاه‌های نظری گرامشی و کاستلز باشد، می‌توان چنین گفت که هژمونیک نشدن نظام هویتی دینی از سوی نظام سیاسی بستر سیاسی و اجتماعی لازم را برای نسج و گسترش گروه‌های نوپدید دینی در ایران فراهم خواهد ساخت. با توجه به دو نظریه‌ی فوق، مدل مفهومی تحقیق را می‌توان به شکل ذیل ترسیم نمود:



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های پاسخگویان

۵۵ درصد از جامعه‌ی آماری را زنان و ۴۵ درصد دیگر را مردان به خود اختصاص داده‌اند. اکثریت نسبی پاسخگویان (۳۱ درصد) در گروه سنی ۲۰-۲۵ سال واقع شدند. ضمن آنکه ۲۹/۵ درصد دیگر بین ۲۶ تا ۳۰ سال سن داشته‌اند. ۵۷/۸ درصد از پاسخگویان را متأهلین و ۴۱/۵ درصد دیگر را مجردین به خود اختصاص داده‌اند. افراد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس، بیشترین بخش از جامعه‌ی آماری را تشکیل دادند. زادگاه ۶۱ درصد

از پاسخگویان شهر است. ۳۶/۳ درصد از پاسخگویان شاغل بوده و پس از این افراد دانشجویان و خانه‌دار قرار داشته‌اند. اکثریت نسبی پاسخگویان درآمد ماهیانه‌ی خویش را بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون و دویست هزار تومان اعلان داشته‌اند. ضمن آنکه ۶۶/۸ درصد از پاسخگویان بیش از ۱۰ سال است که ساکن تهران می‌باشند. اکثر پاسخگویان از قوم فارس (۴۱/۸) و ترک (۲۸/۵) هستند.

همچنین یافته‌ها حاکی از آنست که اکثریت پاسخگویان به حد کم و اصلاً به نهادهای، مسئولان کشور و نظام سیاسی اعتماد داشته و در حد کم و اصلاً به مشروعیت نهادهای، مسئولان کشور و نظام سیاسی معتقدند. ضمن آنکه غالب پاسخگویان در حد زیاد به رسانه‌ی ملی، بی‌اعتماد و در حد متوسط به بالا به رسانه‌های خارجی اعتماد دارند. نیز اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد دارای هویت مقاومتی بوده و در حد کم و اصلاً به هژمونیک شدن نظام سیاسی کشور معتقد هستند. در عین حال الگوی مرجع غالب پاسخگویان در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و پوششی به ترتیب اساتید دانشگاه، هنرمندان خارجی، والدین و معلم‌های آنان بوده و روحانیون در پایین‌ترین قشر قرار گرفته‌اند. ضمن آنکه اکثریت پاسخگویان در حد متوسطی به جنبش‌های نوپدید دینی گرایش دارند.

در عین حال در بررسی ستوال و فرضیه‌های تحقیق موارد زیر قابل بیان است:

سؤال و فرضیه‌ی اول تحقیق:

جدول ۱: ضریب همبستگی بین هژمونیک شدن نظام سیاسی دینی و گرایش به جنبش‌های نوپدید

دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
هژمونیک شدن نظام سیاسی دینی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	-۰/۲۵۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود که مقدار $Sig=0/000 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد. همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر هژمونیک شدن نظام سیاسی دینی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی ۲۵/۹- درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی

معکوس بین دو متغیر می‌باشد. این مسئله بدین معنی است که با هژمونیک نشدن نظام سیاسی دینی، گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی افزایش می‌یابد.

سؤال و فرضیه‌ی دوم تحقیق:

جدول ۲: ضریب همبستگی بین مشروعیت نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
بین مشروعیت نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	-۰/۲۶۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که مقدار $Sig = 0/000 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد. همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر بین مشروعیت نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی $26/7\%$ درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر می‌باشد. بدین معنی که با کاهش مشروعیت نظام سیاسی، گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی آنها افزایش می‌یابد.

سؤال و فرضیه‌ی سوم تحقیق:

جدول ۳: ضریب همبستگی بین اعتماد به نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
بین اعتماد به نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	-۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که مقدار $Sig = 0/000 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد. همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر بین اعتماد به نظام سیاسی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی $42/7\%$ درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر می‌باشد. بدین معنی که با کاهش اعتماد به نظام سیاسی، گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی افزایش می‌یابد.

سؤال و فرضیه‌ی چهارم تحقیق:

جدول ۴: ضریب همبستگی بین بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	+۳۲/۴	۰/۰۰۵	تأیید فرضیه

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که مقدار $Sig = 0/001 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی ویژه‌ی اول تأیید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد؛ همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر بی‌اعتماد به رسانه‌ی ملی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی آنان $+32/4$ درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر می‌باشد.

سؤال و فرضیه‌ی پنجم تحقیق:

جدول ۵: ضریب همبستگی بین تغییر الگوی مرجع (از روحانیون به سایر مراجع) و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
بین تغییر الگوی مرجع و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	-۳۵/۸	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که مقدار $Sig = 0/001 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی ویژه‌ی دوم تأیید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد؛ همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر تغییر الگوی مرجع و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی $-35/8$ درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر می‌باشد. بدین معنی که با تغییر الگوی مرجع از روحانیت به سایر مراجع، گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی افزایش می‌یابد.

سؤال و فرضیه‌ی ششم تحقیق:

جدول ۶: ضریب همبستگی بین اعتماد به رسانه‌های خارجی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
بین اعتماد به رسانه‌های خارجی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	۴۸/۴	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که مقدار $Sig = 0/000 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی ویژه‌ی سوم تأیید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد؛ همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر اعتماد به رسانه‌های خارجی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی $+48/4$ درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر می‌باشد.

سؤال و فرضیه‌ی هفتم تحقیق:

جدول ۷: ضریب همبستگی بین شکل‌گیری هویت مقاومت و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
شکل‌گیری هویت مقاومت و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی	۴۰۰	۳۹/۲	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که مقدار $Sig = 0/001 < 0/05$ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی هفتم تأیید می‌شود و این رابطه معنی‌دار می‌باشد؛ همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر شکل‌گیری هویت مقاومت و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی $39/2$ درصد می‌باشد که این بیانگر رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر می‌باشد. بدین معنی که با شکل‌گیری هویت مقاومتی، گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی افزایش می‌یابد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

رگرسیون چند متغیره، روش تحلیل نیرومندی است که میزان تأثیر یک‌جا و جداگانه چند متغیر مستقل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد. معمولاً از رگرسیون برای متغیرهای فاصله‌ای استفاده می‌کنند؛ و با مقداری خطا، در مورد متغیرهای ترتیبی نیز می‌توان از آن استفاده کرد. در

این پژوهش میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل که قبلاً از طریق آزمون پیرسون از رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر وابسته، یعنی (گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی) برخوردار بودند، در تغییرات متغیر (گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی) به روش ورود همگانی، در معادله‌ی رگرسیون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در روش ورود همگانی^۱ همه‌ی متغیرها، با هم وارد معادله‌ی رگرسیون می‌شوند، و این روش می‌تواند، پیشی‌بینی تمامی متغیرها را یک‌جا با هم مورد ارزیابی قرار دهد. در این پژوهش ابتدا، هفت متغیر مستقل با هم وارد معادله شده‌اند، که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۸: ضرایب رگرسیون چند متغیره به روش همگانی

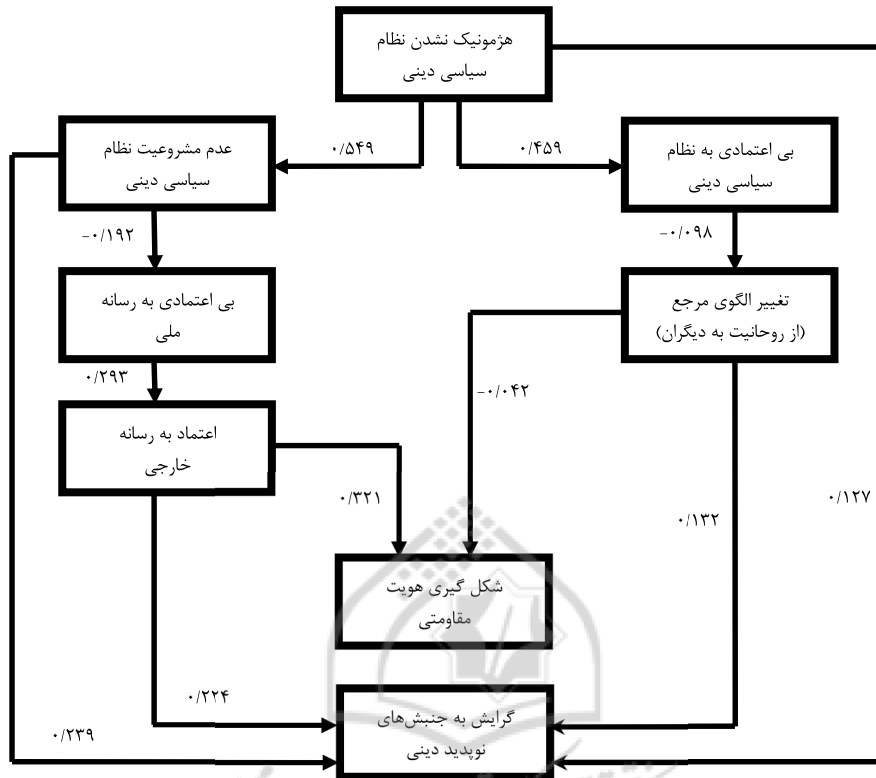
نام متغیرها	ضریب B	ضریب استاندارد S.E	ضریب تعدیل شده Beta	مقدار آزمون t	سطح معنی‌داری t
مقدار ثابت	۲/۴۲۳	۰/۸۲۹	—	۲/۹۲۳	۰/۰۰۴
بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی	۰/۲۹۹	۰/۰۳۸	۰/۲۳۹	۳/۷۲۲	۰/۰۰۱
اعتماد به رسانه‌ی خارجی	۰/۳۴۹	۰/۰۸۷	۰/۲۲۴	۴/۰۱۹	۰/۰۰۰
هویت مقاومتی	-۰/۳۳۷	۰/۱۶۰	-۰/۱۱۱	-۲/۱۰۱	۰/۰۳۶
اعتماد به نظام سیاسی	-۰/۵۲۲	۰/۲۱۲	-۰/۲۲۲	-۲/۴۶۰	۰/۰۱۴
مشروعیت نظام سیاسی	-۰/۴۸۸	۰/۲۰۲	-۰/۱۸۲	-۲/۰۳۹	۰/۰۲۴
الگوی مرجع	۰/۰۶۰	۰/۰۲۳	۰/۱۳۲	۲/۵۸۹	۰/۰۱۰
هژمونیک شدن نظام سیاسی	۰/۳۰۴	۰/۲۷۳	۰/۱۲۷	۲/۰۱۲	۰/۰۲۷

ضریب رگرسیون چند متغیره به روش ورود همگانی هفت متغیر فوق، به مقدار $R=0/639$ در سطح معنی‌داری بیش ۹۹ درصد ($F=54/193$ ، $Sig=0/000$) معنی‌دار است. ضریب تعیین بدست آمده $R^2=0/356$ است و بدین معنا می‌باشد که حدود ۳۶ درصد از کل واریانس گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی با این هفت متغیر قابل پیش‌بینی اشد و حدود ۶۴ درصد دیگر به سایر متغیرها وابسته می‌باشد. در ادامه، با استفاده از ضرایب استاندارد به دست آمده در رگرسیون‌های فوق، تحلیل مسیر و تعیین اثر متغیرها بر یکدیگر بررسی می‌شود.

¹ enter

تحلیل مسیر

تحلیل آثار متغیرها نشان می‌دهد که اثر شکل‌گیری هویت مقاومتی بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی ۰/۱۱۱-، اثر هژمونیک نشدن نظام سیاسی دینی بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی ۰/۱۲۷، اثر اعتماد به رسانه‌ی خارجی در شکل‌گیری هویت مقاومتی ۰/۳۲۱، اثر تغییر الگوی مرجع از روحانیون به سایر گروه‌ها بر شکل‌گیری هویت مقاومتی ۰/۰۴۲- اثر هژمونیک نشدن نظام سیاسی دینی بر عدم مشروعیت ساسی نظام سیاسی دینی ۰/۵۴۹ و اثر هژمونیک نشدن نظام سیاسی دینی بر بی‌اعتمادی به نظام سیاسی دینی بر ۰/۴۵۹ است. همچنین مقادیر استاندارد پارامترها نشان می‌دهند که میزان تأثیر مستقیم بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی بر اعتماد به رسانه‌ی خارجی ۰/۲۹۳ و اثر عدم مشروعیت نظام سیاسی بر بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی ۰/۱۹۲- است؛ همچنین تأثیر مستقیم بی‌اعتمادی به نظامی سیاسی بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی ۰/۲۲۲- است. همچنین تأثیر غیر مستقیم بی‌اعتمادی به نظام سیاسی دینی از طریق تغییر الگوی مرجع بر شکل‌گیری هویت مقاومتی برابر با حاصل ضرب ۰/۰۹۸- در ۰/۰۴۲- یعنی حدود ۰/۰۰۴ است. نتایج نشان می‌دهند که مسیر هژمونیک نشدن نظام سیاسی دینی، عدم مشروعیت نظام سیاسی دینی، بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی، اعتماد به رسانه‌ی خارجی، شکل‌گیری هویت و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی آثار زیادی بر یکدیگر دارند و معنادار هستند، لذا این مسیر تأیید می‌شود و در مدل باقی می‌ماند، ولی مسیر بی‌اعتمادی به نظام سیاسی دینی، تغییر الگوی مرجع، شکل‌گیری هویت مقاومتی و گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی بیانگر این موضوع نبوده و می‌تواند از مدل حذف شود.



نتیجه‌گیری

مقاله‌ی حاضر در صدد این امر بود که از منظر جامعه‌شناختی، گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی را مورد واکاوی نظری قرار دهد و یک مدل نظری مناسب را برای تشریح گرایش به گروه‌های مزبور فراهم سازد تا با توسل به آن اولاً بتوان به فهم صحیحی در مورد رواج این‌گونه جنبش‌ها رسید و ثانیاً از آن بعنوان یک الگوی راهبردی در تصمیم‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی در این حوزه استفاده نمود.

نتایج این تحقیق نهایت منجر به شناخت‌هایی شد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، موارد زیر

است:

- ۱- مشخص شدن اثرات جنبش‌های نوپدید بر طرفداران و ایجاد تعارضات گفتمانی و ارزشی در میان آن‌ها نسبت به ساختار فرهنگی، هویتی و اجتماعی کشور.

۲- نشان دادن نحوه‌ی تسری این جنبش‌های نوپدید به خارج از حلقه‌های گروه در صورت تقویت و پایداری در سطح جامعه.

۳- روشن کردن شیوه‌ی مکانیسم ایجاد پیوند جنبش‌های نوپدید دینی با جنبش‌های معارض فرهنگی و اثربخشی در سطح جامعه.

در عین حال تحقیقاتی که در ایران در زمینه‌ی جنبش‌های نوپدید دینی انجام شده است، اغلب بصورت نظری و ترجمه بوده و کمتر پژوهش تجربی صورت گرفته است. علاوه بر این بسیاری از تحقیقات در سطح توصیف باقیمانده و راهی به سوی تبیین پیش نمی‌برند. آن دسته از تحقیقاتی که در آنها تبییناتی صورت گرفته نیز بیشتر جنبش‌های نوپدید دینی را در ارتباط با متغیرهایی طبقات، رشته‌های تحصیلی، هویت قومی، رویارویی سنت و مدرنیته، پدیده‌ی جهانی‌شدن، عوارض ناشی از جنگ هشت ساله و پوشش قوی فرهنگی و رسانه‌ای امپریالیسم تبلیغاتی، تجربه‌ی دینی، نسبی‌گرایی معرفتی، محرومیت نسبی، توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی مورد بررسی قرار می‌دهند. این در حالی است که نوع نگاه مقاله‌ی حاضر اساساً با این‌گونه پژوهش‌ها متفاوت بوده است. در واقع در این پژوهش، ضمن نگاه نظری به موضوع و چگونگی پیدایش و جذب افراد در فرقه‌ها، در سطح مطالعه‌ی توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیر متغیرها و معرفت‌های بی‌اعتمادی به رسانه‌ی ملی، اعتماد به رسانه‌ی خارجی، هویت مقاومتی، اعتماد به نظام سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی، تغییر الگوی مرجع و هم‌مونیک شدن نظام سیاسی بر گرایش به جنبش‌های نوپدید دینی پرداخته و ضمن مشخص نمودن تأثیر فردی هرکدام از متغیرها بر متغیر وابسته، به صورت ورود همگانی، تأثیر متغیرهای فوق را بر گرایش و جذب در جنبش‌های نوپدید دینی مشخص نموده است؛ ضمن آنکه در این پژوهش به بررسی شدت ارتباط درونی متغیرها با یکدیگر پرداخته است.

فهرست منابع:

- ایگلتن، تری (۱۳۸۱). درآمدی بر ایدئولوژی، ترجمه‌ی اکبر معصوم بیگی، تهران: انتشارات آگاه.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: انتشارات سمت.
- تاجیک، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹). گفتمان، تحلیل گفتمان، مجموعه مقالات، نشر فرهنگ گفتمان.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد، تهران: طرح نو.
- کرمانی، طوبی (۱۳۸۳). گرایش انسان معاصر به عرفان، مجموعه مقالات عرفان؛ پلی میان فرهنگ‌ها، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- ملکم همیلتون (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه‌ی محسن ثلاثی تهران: تبیان.
- نش، کیت (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

Arweck, Elizabeth (2002). New Religious Movements, in: Linda Woodhead & Paul Hertcher & others (eds.), Religions in the Modern World, London and New York: Routledge.

Doktor, T. (2003). A Typology of New Religious movements and its Empirical Indicators, Available at: www.skepsis.nl,

Levin, Soul The Joiners, In Lorne.1. Dawson (ed) Cults and New Religious Movements, Blackwell, 2003.

Femia J. (2002). Hegemony and Consciousness In The Thought of Antonio Gramsci, In J. Martin (Ed.) Antonio Gramsci London: Routledge.